

بسم الله الرحمن الرحيم

اتفاقات شهرِ عدنِ یمن از چه قرار است؟

(ترجمه)

پرسش

واقعیت اتفاقات شهر عدن از چه قرار است؟ چگونه است که شورای زبیدی و حکومت هادی به جان یکدیگر افتاده‌اند، درحالی که زبیدی توسط هادی به صفت والی عدن تعیین گردید. هم‌چنین می‌دانیم پس از آن که زبیدی از منصب ولایت عدن برکنار شد؛ هم‌چنان در پست‌اش به صفت والی باقی ماند؛ بدون این که حکومت هادی هیچ‌گونه واکنشی نشان دهد؛ بلکه به حدی که او در برابر چشم و گوش حکومت داشت نیروی نظامی تشکیل می‌داد. پرسش اخیر این که اینک بعد از تسلط شورای انتقالی بالای شهر عدن چه انتظار می‌رود؟ با تقدیم سپاس و احترام.

پاسخ

برای روشن شدن پاسخ باید به بررسی امور زیر پرداخت:

اول: انگلیس از آغاز کار "طوفان قاطع" می‌دانست که مداخله سعودی در یمن با عملیات هوایی و زیر نام "طوفان قاطع" به هدف نابودی حوثی‌ها صورت نگرفت؛ چنان‌چه اگر غیر از این بود، نیروی هوایی خویش را نیز وارد یمن می‌نمود. این مداخله هوایی سعودی به این هدف صورت گرفت که حوثی‌ها به عنوان مدافعین یمن در برابر طیاره/هواپیماهای جنگی برجسته شده و چهرهٔ مظلوم و در عین حال، قهرمان را به خود گیرند تا از این طریق؛ توسط مردم پذیرفته شده و افکار عامه به طرف آنان سوق داده شود و سر انجام سهم بیشتری از حکومت یمن را به دست آورند؛ چنان‌چه حوثی‌ها پس از آن که قبیله‌ای در منطقهٔ صعده بیش نبودند؛ اینک تبدیل به رقبای حکومت در سراسر یمن گردیده‌اند! یکی از نشانه‌های آگاهی انگلیس از این موضوع، این بود که به امارات دستور داد در ائتلاف "طوفان قاطع" عملاً و نه شکلاً مشارکت نماید تا بتواند راهش را به سوی رویارویی با حوثی‌ها باز کند. انگلیس، امارات را به دو هدف تحریک نمود تا در این ائتلاف شرکت نماید:

هدف اول: ایجاد بدیلی برای هادی منصور؛ چنان‌چه وی در سعودی تقریباً به عنوان یک اسیر به سر می‌برد و از هیچ‌گونه اختیار و قدرتی برخوردار نیست. پس هدف انگلیس این بود که در عدن برای خود بدیلی بسازد که عملاً بتواند از آن اطاعت کند و نه این که نزد سعودی اسیر باشد. بناءً با گام‌های پی در پی شروع به ساختن بدیل نمود؛ چنان‌چه زمانی که در جنوب یمن جریانی موسوم به "تحرك جنوب" شروع به تحرك نمود و در سال ۲۰۰۷م به ریاست حسن باعوم، که یک فعال و مخالف حکومت بود و با امریکا ارتباط داشت و از جانب ایران حمایت می‌شد، رسماً اظهار وجود نمود. انگلیس از او و تحرکات‌اش هراس داشت و این هراس بعد از کشته شدن عبدالله صالح به اوج خود رسید؛ زیرا نفوذ انگلیس در شمال؛ پس از موفقیت حوثی‌ها در گستردن نفوذشان در این مناطق، داشت متلاشی می‌گردید؛ به همین دلیل به گونهٔ جدی شروع کرد به پیدا نمودن نیرویی در جنوب که بتواند به عنوان آهرم فشاری برای تداوم بقای آن در حکومت یمن نقش بازی کند؛ اگر نتوانست حداقل در جنوب برای انگلیس جای پای را نگهدارد.

به این ترتیب انگلیس مجدانه شروع به اندیشیدن در مورد تمرکز نفوذ خویش در جنوب نمود؛ مخصوصاً با توجه به این که نمی‌توانست به صورت کامل به هادی اعتماد کند؛ زیرا سعودی بالای وی تسلط دارد؛ بناءً انگلیس برای تحقق این هدف از طریق امارات دست به کار شد تا مزدوران اش را در صفوف جریان "تحرك جنوب" جا زده و یا جریان جدیدی را بسازد که رفته رفته میدان را در دست گیرد. به همین دلیل، روی امارات و سایر مزدوران اش تمرکز نمود تا توسط آنان جریانی موازی با "تحرك جنوب" به رهبری باعوم بسازند و توسط آن قضیه جنوب را به چالش بکشانند. آنان در این جهت گم‌شده خویش را در شخصی به نام عیدروس زبیدی یافتند، که یکی از رهبران سرشناس جریان "تحرك جنوب" بود. از آنجایی که این شخص به طرفداران انگلیس نزدیک بود، منصور هادی رئیس جمهور یمن وی را به تاریخ ۷ دسامبر ۲۰۱۵ به صفت والی عدن تعیین نمود؛ یعنی چند ماه پس از آغاز عملیات "طوفان قاطع" سعودی در ماه "مارچ ۲۰۱۵". انتخاب او در چنین زمانی، نشانه قوی از اعتماد مزدوران انگلیس به وی بود. زبیدی از این فرصت کمال استفاده را نمود؛ چنانچه به عنوان والی موفق شهر عدن شهرت پیدا نمود؛ زیرا توانسته بود برق را به این شهر برگردانده و جریان‌های مسلح را از آن متواری کند و با حوثی‌ها بجنگد. به این ترتیب، توجه افکار عامه در جنوب به جانب وی به صفت یک شخصیت سیاسی توانا و رقیب با رهبری تاریخی حسن باعوم در جریان "تحرك جنوب" شدت گرفت.

زبیدی از نظر نظامی به هانی بن بریک، که مؤسس نیروهای "کمر بند جنوب" است و تا حدود زیادی به صفت مهره امارات در جنوب شناخته می‌شود، متکی است «وی نیروهای موسوم به "کمر بند امنیتی جنوب" را تشکیل نمود که متشکل از ملیشه‌هایی استند که علناً توسط دولت امارات در جنوب یمن پشتیبانی می‌شوند» (منبع: ساسه پست ۲ نومبر ۲۰۱۷م). به این ترتیب، زبیدی و بریک در جنوب از شأن و شوکت برخوردار گردیدند؛ اما از آنجایی که هر دوی شان در حکومت هادی مسوولیت داشتند و وابسته‌گی حکومت هادی به انگلیس برای همه واضح است، نمی‌توانستند به همین دلیل؛ یعنی داشتن مسوولیت در حکومت هادی وابسته به انگلیس، در میان مردم نفوذ پیدا نموده و مردم را به حمایت از جریان "تحرك جنوب" فرا بخوانند؛ بنابراین گام نخست این بود که از عضویت در حکومت هادی اخراج گردند تا این کار آنان؛ به ویژه زبیدی را در مخالفت با حکومت هادی نشان دهد و به این ترتیب، مردم جنوب به اطراف وی جمع گردیده و "تحرك جنوب" جدید را تشکیل دهند و چنین هم شد. چنانچه رئیس جمهور یمن طی فرمانی به تاریخ ۲۷ اپریل ۲۰۱۷م، عیدروس زبیدی والی عدن و هانی بن بریک وزیر دولت را از وظایف‌شان برکنار نمود و دستور داد از بن بریک بازجویی نیز صورت گیرد. هزاران تن از مردم یمن در پیوند به این تصمیم رئیس جمهور در تظاهراتی در شهر جنوبی عدن به جاده‌ها ریختند و این تصمیم وی را تقبیح نمودند. سپس زبیدی به تاریخ ۱۱ می ۲۰۱۷م اعلان نمود که ریاست هیأت شورای انتقالی جنوب در شهر عدن را در دست گرفته و هانی بن بریک به زودی معاونیت این شورا را که ۲۶ عضو دارد، در اختیار خواهد گرفت.

به این ترتیب، انگلیس توسط امارات بدیلی برای حکومت هادی طراحی نمود، که همانا شورای انتقالی است تا در زمان لازم از آن استفاده نماید. این شورا در شهر عدن از جایگاه و شأن و شوکت زیادی برخوردار بوده و توسط اردوی امارات پشتیبانی می‌گردد.

هدف دوم: آزاد نمودن حدیده از چنگ حوثی‌ها:

أ. امارات از طریق زمین و هوا وارد یمن شد؛ زیرا جنگ هوایی به تنهایی نمی‌توانست فیصله‌کننده باشد. امارات نیروهای زمینی‌اش را وارد شهر حدیده نمود و نزدیک بود که تمام شهر را از چنگ حوثی‌ها رها کند که امریکا به بهانه کمک‌های انسانی در برابر آن قرار گرفت و مانع ادامه جنگ شد. اما این که چرا امارات به حدیده توجه خاص دارد، باید گفت که انگلیس می‌داند که ستون فقرات حوثی‌ها را همانا کمک‌های ایران تشکیل می‌دهد و پس از مسدود شدن میدان هوایی/فرودگاه صنعاء و تسلط امارات بالای بنادر جنوب، بندر حدیده تقریباً یگانه شریانی است که کمک‌های ایران را به حوثی‌ها می‌رساند. به همین دلیل بود که امارات سعی داشت با جدیت تمام بالای شهر حدیده تسلط یابد. پس از آن که نزدیک بود نیروهایی که توسط امارات پشتیبانی می‌شدند، بالای حدیده و بندر آن مسلط شوند، حوثی‌ها خود را در برابر خطرهای بزرگی دیدند و می‌دانستند که این خطر، حاکمیت‌شان را در یمن سخت تهدید می‌کند؛ بناءً با تمام توان در برابر تحقق آن قرار گرفتند و امریکا نیز مسوولین‌اش را به کار انداخت تا به خاطر اوضاع بد انسانی در یمن تظاهر به نگرانی و احساس مسوولیت نمایند و طوری وانمود کنند که بندر حدیده در حقیقت به یگانه شریانی می‌ماند که یمن را از گرسنه‌گی مرگ‌بار نجات می‌دهد. اما امارات و هم‌پیمانان داخلی آن به دنبال فرصت‌های قانونی بین‌المللی بودند تا با استفاده از آن حملات بیشتری انجام داده و جریان تسلط خویش بالای حدیده را کامل نمایند. به همین دلیل بود که متوقف نمودن هجوم امارات بالای حدیده برای امریکا امر مهم و جدی شد؛ زیرا از دست دادن حدیده، حوثی‌ها را در تنگنا قرار می‌داد.

ب. سپس حادثه ترور وحشیانه روزنامه‌نگار سعودی جمال خاشقجی در استانبول بر سر زبان‌ها افتاد و این حادثه افکار جهانی را به جانب سعودی و حمایت ترامپ از آن سوق داد. امریکا تصمیم گرفت با برجسته نمودن قضیه‌ای دیگری؛ از حجم توجه افکار عامه به قضیه خاشقجی بکاهد و به این ترتیب فشارها بالای سعودی و اداره ترامپ را بر دارد؛ بناءً قضیه یمن را برجسته نمود؛ چنانچه مجلس سنای امریکا به پایان دادن حمایت نظامی امریکا از جنگ یمن رأی داد؛ «اعضای مجلس سنا در یک خطر تاریخی با اکثریت آراء ۵۶ در برابر ۴۱ به پایان دادن حمایت نظامی، که توسط سعودی در یمن رهبری می‌گردد، رأی مثبت داد». (منبع: رویترز ۱۴ دسامبر ۲۰۱۸م). سپس امریکا به هدف رفع فشارهای جهانی از سعودی و سرپوش گذاشتن به قضیه ترور روزنامه‌نگار سعودی، خواستار آتش‌بس سی روزه در یمن گردید. «جیمز متیوز وزیر دفاع امریکا از طرف‌های درگیر در یمن خواست تا برای سی روز به جنگ پایان دهند و در جریان این مدت وارد گفت‌وگوهای جدی برای پایان جنگ در این کشور شوند. او تأکید نمود که طرف‌های درگیر یمن موظف‌اند به جانب تلاش‌های صلح حرکت نمایند. وی افزود که برای رسیدن به صلح پایدار سی روز آینده را پیش رو داریم و من باور دارم که سعودی و امارات آماده‌گی همکاری در این روند را دارند». (منبع: خلیج آن لاین ۳۱ اکتوبر ۲۰۱۸م).

ت. سپس توافق‌نامه سوید برای حل موضوع یمن مطرح گردید و انگلیس می‌دانست که این توافق توسط امریکا و به نفع حوثی‌ها اداره می‌شود؛ زیرا یک طرف مذاکرات حوثی‌ها و طرف دیگر آن هادی منصور است که در چنگ سعودی قرار دارد؛ چنانچه خبرهای زیادی منتشر گردید که هیأت حکومت یمن نمی‌خواستند توافق‌نامه را امضاء کنند؛ زیرا در آن از خروج حوثی‌ها از حدیده چیزی گفته نشده بود؛ اما هادی زیر فشار سعودی با آن موافقت نمود! «منابعی به الجزیره گفته‌اند که هیأت حکومت با ارسال نامه‌ای به هادی، که در ریاض سکونت دارد، از وی خواسته‌اند بالای توافق‌نامه امضاء

نکند؛ زیرا در مورد خروج حوثی‌ها از شهر حدیده و بندر آن به صراحت چیزی در این توافق‌نامه تذکر نرفته؛ اما رئیس‌جمهور یمن پس از فشارهای شدیدی که در جریان چند ساعت بعد از جانب سعودی بالای وی اعمال گردید، سر انجام توافق‌نامه را امضاء نمود». (منبع: الجزیره نت ۱۳ دسامبر ۲۰۱۸م). طبیعتاً امریکا به صورت علنی از این توافق استقبال نمود؛ «مایک پومپئو وزیر خارجه امریکا از این توافق استقبال نموده و گفت که اینک صلح در یمن ممکن گردید». (منبع: بی بی سی ۱۴ دسامبر ۲۰۱۸م). امریکا به‌جز خروج حوثی‌ها از حدیده، به سایر بندهای توافق مذکور توجه دارد؛ زیرا گمان می‌کند عملی شدن چنین توافق ممکن است، به دلیل این که هر دو طرف مذاکره به اشاره امریکا عمل می‌کنند؛ هم حوثی‌ها و هم هادی که در چنگ سعودی است.

دوم: انگلیس دریافت که زمان آن فرا رسیده تا بدیل هادی عملاً دست به کار شود، تا اگر امریکا در استحکام حوثی‌ها در شمال موفق شود، بدیل انگلیس به جای هادی در جنوب مستقر شده باشد و به این ترتیب به امریکا فرصت ندهد به کمک سعودی و با استفاده از هادی که در اصل مزدور انگلیس است؛ اما در حال حاضر سعودی بالای وی تسلط دارد با حوثی‌ها به راه حلی دست یابد؛ بلکه با تحرکات انگلیس در جنوب مواجه شود، تحرکاتی که بسیار قوی و کوبنده بوده و بدون این که سعودی بالای آن نفوذ داشته باشد، به نفع انگلیس فعالیت نماید و به این ترتیب انگلیس در هر گونه راه حلی برای بحران یمن دخیل بماند. به این ترتیب بود که فعالیت‌ها برای ایجاد و تحریک بدیلی برای هادی آغاز شد؛ یعنی شورای زبیدی راه‌اندازی گردید و رفته رفته حوادث اخیر شهر عدن اتفاق افتاد:

۱- حوادث اخیر عدن به گونه قابل ملاحظه‌ای سریع اتفاق افتاد؛ تنش‌ها میان شورای انتقالی جنوب و نیروهای حکومت قانونی عدن بالا گرفت و منجر به درگیری‌ها میان نیروهای "کمر بند امنیتی و نیروهای حکومتی" آغاز گردید. تنش‌ها به تاریخ ۷ اگست ۲۰۱۹م بالا گرفت و درست چهار روز پس از آن؛ یعنی شام شنبه ۱۰ اگست ۲۰۱۹م درگیری‌ها شروع شد. «شورای انتقالی جنوب یمن شام شنبه اعلان نمود که قصر ریاست جمهوری موسوم به معاشیق که در عدن موقعیت دارد درست چهار روز پس از بالا گرفتن تنش‌ها به تصرف خود در آورده است». (منبع: فرانس ۲۴ ۱۰ اگست ۲۰۱۹م). به این ترتیب بود که سایر پایگاه‌های نظامی و ادارات عدن سقوط نمود.

۲- اتفاقات یادشده به این دلیل خیلی سریع و در ظرف چهار روز اتفاق افتاد که حکومت هادی و دستگاه‌های آن و رئیس‌جمهور و معاون وی همه از جمله وابسته‌گان انگلیس بوده و در یک‌طرفه نمودن آن نقش داشتند؛ طوری که راه را برای مسؤولیت شورا، که از طرف انگلیس به آن موظف شده بود، هموار نمودند و به این ترتیب شورا توانست قضیه را به سرعت یک‌طرفه نماید. برخی از نشانه‌های زیر بیانگر این ادعاست:

ا. «یکی از مسؤولین نیروهای کمر بند امنیتی در اظهاراتی گفت: قصر معاشیق را بدون هیچ‌گونه مقاومتی از محافظین قصر تسلیم شدیم». (منبع: فرانس ۲۴ ۱۰ اگست ۲۰۱۹م).

ب. احمد میسری وزیر داخله یمن در سخنانی گفت: سکوت ریاست جمهوری یمن در برابر اتفاقات عدن مشکوک بوده و موفقیت آمیز نبود». (منبع: الجزیره ۱۱ اگست ۲۰۱۹م).

ت. «فضل باعش فرمانده/ قومندان نیروهای ویژه حکومت یمن به تاریخ ۱۰ اگست ۲۰۱۹م اعلان نمود که از نیروهای حکومت قانونی جدا شده و به نیروهای شورای انتقالی پیوسته است. فضل باعش در یک کلیپ ویدئویی، که توسط پایگاه‌هایی منسوب به شورای انتقالی، ظاهر گردید، اعلان نمود که از جمع نیروهای حکومت قانونی جدا شده و به سربازان نیروهای شورای انتقالی جنوب به رهبری عیدروس زبیدی پیوسته است.» (منبع: میدل ایست آن لاین ۱۰ اگست ۲۰۱۹م).

ث. به علاوه این موارد؛ امارات، که مانند بادار اش انگلیس مکار است، نیز نقش بزرگی در این تحولات بازی نمود؛ زیرا امارات پشتیبان اساسی زبیدی به شمار می‌رود؛ اما باوجود آن هم هرگاه کاری را برخلاف نقشه‌های سعودی انجام می‌دهد، فوراً اعلان می‌کند که یکی از اعضای ائتلاف به رهبری سعودی است و هر دو برای تأمین صلح و ثبات در یمن کار می‌کنند!

سوم: به نظر می‌رسد سعودی انتظار نداشت اوضاع به این سرعت یک‌طرفه شود؛ به ویژه آن‌که سرگرم مراسم حج است. سعودی زمانی متوجه اوضاع شد که شورای انتقالی شام روز شنبه ۱۰ اگست ۲۰۱۹م عملاً بالای شهر عدن مسلط شده بود.

أ. «ائتلاف حمایت از قانون در یمن، اواخر روز گذشته از تمام قطعات و تشکیلات نظامی عدن، به شمول نیروهای شورای انتقالی جنوب و نیروهای کمر بند امنیتی که اوضاع را در اختیار داشت، خواست تا فوراً به پایگاه‌های قبلی‌شان برگردند و مواضعی را که در جریان چند روز اخیر تصرف کرده‌اند را ترک نمایند و به دارایی‌های عام و خاص دست نزنند. ائتلاف مذکور هم‌چنین خواستار آتش‌بس فوری در عدن پایتخت موقت یمن شد که باید از ساعت یک نیمه شب گذشته اعمال گردد و تأکید نمود که این ائتلاف با متخلفین برخورد نظامی خواهد نمود. دقایقی پس از پایان مهلت مذکور، شورای انتقالی جنوب اعلان نمود که با آتش‌بس موافق است و از نقش ریاض برای پیش‌برد گفت‌وگوها تمجید نمود.» (منبع: شرق اوسط ۱۱ اگست ۲۰۱۹م). اما باوجود آن هم «هانی علی بریک معاون رئیس شورا در تویتراش نوشت که شورا هم‌چنان به ائتلاف پای‌بند است؛ اما تأکید نمود که به هیچ‌وجه زیر فشار تهدیدها، مذاکره نخواهد نمود. یکی از مسؤولین ائتلاف عربی، اظهارات شورای انتقالی در خصوص آتش‌بس را تحسین نمود؛ اما گفت که این اظهارات کافی نیست و باید از مواضعی که به زور سلاح به تصرف خود در آورده عقب‌نشینی نماید. منبع یادشده افزود که گردهمایی میان طرف‌های درگیر یمن در سعودی "به مجرد عقب‌نشینی شورای انتقالی و برگشت آن به مواضع قبلی‌اش آغاز خواهد شد."» (منبع: اندپندنت عربی ۱۱ اگست ۲۰۱۹م).

ب. ائتلاف برای این‌که اعلامیه‌اش را جدی و واقعی نشان دهد، «یکی از مناطق جدائی طلبان را که برعلیه حکومت قانونی یمن در شهر عدن پایتخت موقت، تهدید به شمار می‌رود، هدف قرار داد و اعلان نمود که این اولین عملیاتی است که به این هدف صورت می‌گیرد و در صورتی که به بیانیه آتش‌بس در عدن پای‌بندی صورت نگیرد عملیات دیگری نیز به تعقیب آن راه‌اندازی خواهد گردید.» (منبع: العربی] ۱۱ اگست ۲۰۱۹م).

ت. یک منبع وابسته به ائتلاف عربی در اظهاراتی گفت: «نیروهای شورای انتقالی جنوب، پس از آن‌که نیروهای ائتلاف یکی از مواضع آنان را هدف قرار داد، شروع به ترک برخی از مناطقی نمودند که در عدن به تصرف خود در آورده بودند. این عملیات پس از هشدارهایی صورت گرفت که شام روز شنبه ۱۰ اگست ۲۰۱۹م توسط رهبری ائتلاف طی یک بیانیه منتشر گردید و در آن خواستار آتش‌بس فوری در یمن شده بود.» (منبع: آر تی ۱۱ اگست ۲۰۱۹م).

چهارم: در مورد این که انتظار می‌رود در آینده چه اتفاقی بی‌افتد، باید گفت که از دو حالت خالی نیست:

اول: عربستان سعودی، که از دو طرف خواسته با هم در سعودی گفت‌وگو کنند، با تمام توان سعی خواهد نمود زبیدی و شورای وی را زیر تسلط خود درآورد، کاری که با هادی و حکومت وی نمود. هرچند چنین کاری آسان نخواهد بود؛ زیرا انگلیس در پس تشکیل این شورا و به دلیل قرار گرفتن هادی زیر تسلط سعودی، است؛ بناءً اجازه نخواهد داد زبیدی در چاله‌ای بی‌افتد که قبلاً هادی افتاده بود. به گمان اغلب سعودی با زبیدی از سیاست چماق و زردک استفاده خواهد نمود؛ طوری که به او وعده خواهد داد که با صلاحیت‌های گسترده درحکومت هادی سهم بگیرد و هادی نسبت به او صلاحیت‌های کم‌تری خواهد داشت؛ اما برای حفظ آبرویش به‌گونه سمبولیک رئیس جمهور باقی خواهد ماند و به زبیدی هشدار خواهد داد که در صورت رد نمودن این پیشنهاد، با حملات نظامی مواجه خواهد شد. بعید نیست دیدار ملک سلمان با ولی عهد ابوظبئی به تاریخ ۱۲ اگست ۲۰۱۹م به همین هدف و برای برگرداندن امور به حالت قبلی صورت گرفته باشد؛ زیرا سعودی می‌داند که امارات در پس تشکیل شورای انتقالی به ریاست زبیدی قرار دارد.

دوم: در صورتی که شورای انتقالی این پیشنهاد را رد کند و به این ترتیب تلاش‌های سعودی ناکام شود، آن‌گاه انگلیس مستقیماً مداخله نموده و با امریکا به گفت‌وگو خواهد پرداخت و وعده خواهد داد که شورای انتقالی را تشویق خواهد نمود با حوثی‌ها وارد مذاکره شوند، مذاکره‌ای که حوثی‌ها از آن سهم قابل توجهی در حکومت به دست آورند. شاید تصادف نیست که محمد بخیتی عضو دفتر سیاسی حوثی‌ها به تاریخ ۱۱ اگست ۲۰۱۹م؛ یعنی فوراً پس از تسلط شورای انتقالی بالای عدن و هم‌چنین هم‌زمان با فراخوانی سعودی برای گفت‌وگو، در صفحه فیسبوک‌اش چنین می‌نویسد: «از تمام طرف‌های سیاسی، به ویژه طرف‌های اصلی به شمول انصار الله (حوثی‌ها) حزب مؤتمر، حزب اصلاح و شورای انتقالی می‌خواهیم برای پایان دادن به جنگ و توافق بر سر تشکیل قدرت انتقالی جدید، که از همه طرف‌ها نماینده‌گی کند و سپس توافق بالای روند صلح، روی میز گفت‌وگو جمع شوند». به این ترتیب؛ به نظر می‌رسد شرایط چنین راه حلی آماده است. امریکا می‌خواهد مسأله یمن را حل و فصل کند؛ چنان‌چه از اظهارات امریکائی‌ها اندکی پیش از مذاکرات سوید معلوم می‌شود، سعودی می‌خواهد از این مردابی که در یمن گیرمانده بیرون آید، انگلیس نیز، که اینک کسی را یافته که بدون وابسته‌گی به سعودی از آن اطاعت می‌کند، با مذاکرات موافقت دارد و نمی‌خواهد روند آن را مختل کند، کاری که قبلاً و به دلیل مغلوب شدن هادی توسط سعودی انجام می‌داد. اگر امریکا و انگلیس بالای راه حل مشترکی به توافق برسند، این راه حل باعث نجات پیروان آنان می‌شود؛ یعنی حوثی‌ها، شورای انتقالی و سعودی. اما مانع بزرگی که در برابر هرگونه راه حل مشترک میان پیروان مفکوره سرمایه‌داری وجود دارد؛ همانا دید منفعت‌گرائی و سوء استفاده مالی است که در خون جریان دارد؛ اولویت برای هر یک از امریکا و انگلیس، قبل از دستیابی به راه حل مشترک این است که راه حلی عملی شود که منافع خودشان را تأمین نماید و دقیقاً همین مسأله است که روند مذاکرات را به درازا می‌کشاند و حوثی‌ها، هادی و شورای انتقالی منتظر اند ببینند امریکا و انگلیس به چه توافقی خواهند رسید!

پنجم: آن‌چه دردآور و مایه تأسف است، این است که مردم یمن توان حل بحران خویش را خود دارند اگر به الله سبحانه و تعالی اخلاص نموده و با رسول الله علیه السلام صادق باشند، چرا باید به دشمنان مان اجازه دهیم قضایای ما را حل و فصل کنند؟! بارها دیدیم که کفار استعمارگر راه‌های حل برای قضایای ما را با ریختن خون مسلمانان طراحی و آماده می‌کنند؛ سپس در اطراف این

خون‌ها نشسته و راه حل مناسب با منافع خودشان را جست‌وجو می‌کنند و حکام سرزمین‌های مسلمانان و پیروان آنان بدون هیچ‌گونه نگرانی و با خیال آرام سرگرم جهل و سفاهت خویش‌اند، انگار تمام این اتفاقات هزاران مایل دورتر دارد اتفاق می‌افتد؛ نه در سرزمین مسلمانان!

شکی نیست که سپردن قضایای مسلمانان برای کفار استعمارگر تا مطابق میل خویش آن را حل و فصل نمایند و سر اطاعت در برابر آنان فرود آوردن، جنایت بس بزرگی است که مرتکبین آن در دنیا با سرافکنده‌گی و ذلت و در آخرت با عذاب دردناک الهی مواجه خواهند شد.

﴿سَيُصِيبُ الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا يَمْكُرُونَ﴾

ترجمه: به زودی کسانی را که مرتکب گناه شدند به [سزای] آن‌که نیرنگ می‌کردند در پیشگاه خدا خواری و شکنجه‌ای

سخت خواهد رسید!

دوازدهم ذی الحجه ۱۴۴۰ هـ.ق

۱۳ آگست ۲۰۱۹ م